



داود شهیدی

### درباره گالری‌ها و گالری‌داران خارج از پایتخت

## یاد و یادواره‌ای از مجموعه «مان هنر نو»

بخش نمایشگاه دائمی در حوزه هنر گرافیک، عکس، فیلم و طراحی صنعتی است. در گپ‌وگفت با مهندس غلامرضا معتمدی این مسائل مطرح شد.



• مجوز مان هنر را تحت چه عنوانی گرفتید؟ موزه یا گالری؟

برای گرفتن مجوز موزه باید کار زیادی انجام می‌شد؛ بازرسی شهرداری، تغییر کاربری از مسکونی به فرهنگی که باعث افت اقتصادی بنا می‌شد و بعد هم ارشاد، میراث فرهنگی و در نهایت وزارت کشور. پس تصمیم گرفتیم از گرفتن مجوز موزه صرف‌نظر کنیم و مان هنر تبدیل به مجموعه‌ای شد با آثاری که من از سال ۱۳۴۷ تا به آن روز جمع‌آوری کرده بودم؛ البته در زمینه هنر مدرن، آثار طراحی صنعتی، عکس و گرافیک.

• آرشو عکس مان هنر تقریباً چه تعداد اثر را در خود جای داده است؟

حدود دو هزار اسلاید از عکاسان مختلف از سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۴ و حدود ۱۰ هزار قطعه نگاتیو که از کل جهان عکاسی شده‌اند. تقریباً جایی در جهان نیست که معماری مدرن داشته باشد، مشهور هم باشد و ما عکسش را نداشته باشیم. تعدادی عکس هم از تئاتر ایران

یکی از گالری‌ها، موزه‌ها، مجموعه‌های هنری و به‌خصوص در عرصه‌های کشف‌نشده دیزاین و گرافیک، هنرهای نمایشی و سینمای تجربی مجموعه «مان هنر نو» بود که داشت شکل می‌گرفت اما بی‌حاصل و بی‌فرجام، آنجا در فضای آرام و در کنار یک روستا و در شهر هشتگرد با معماری بسیار فره‌بخته‌اش بی‌هدف سرگردان مانده و این بی‌هدفی با مرگ نابهنگام مؤسس و آغازگرش، مهندس غلامرضا معتمدی، کامل شده است. من یادداشت‌هایی را که در این باب داشتم، در برابر خواننده می‌گذارم. نخستین مجموعه هنری خصوصی ایران با عنوان مان هنر نو با شعار هنر زندگی در دو بخش نمایش دائمی و موقت آثار هنری از ۲۳ دی‌ماه ۸۳ فعالیت خود را در تهران و در زمینی به مساحت دوهزار و ۵۰۰ مترمربع آغاز کرده است. مان در زیان پهلوی به معنی خانه بوده که در دوره ساسانی استفاده از این کلمه در میان مردم ایران رایج بوده است. این نمایشگاه‌ها در دو ساختمان مجزا هستند که از معماری متفاوتی برخوردارند. در این بخش حدود ۱۰ هزار اثر هنری از صد هنرمند معاصر ایرانی که با کاربرد استفاده در زندگی روزمره ساخته شده‌اند، به نمایش درمی‌آید. آثار ارائه‌شده در

از روی نداشتن علاقه و فقدان حس زیباشناسی و فرهنگی... است. • ناگهان شش ماه غیبت در عرصه فعالیت‌های هنری؟

کار موزه و گالری دوطرفه است. وقتی در موزه را باز می‌کنید، هر مخاطبی می‌تواند شما را به شوق آورد. اگر مخاطب نداشته باشید... من فکر می‌کنم مسئله برعکس است؛ یعنی آن شش ماه تعطیلی باعث می‌شود اسم مان هنر نو در ذهن مردم تکرار نشود و از یاد برود؛ از دل برود هر آنکه از دید به‌رفت. تعطیلی‌های طولانی مان هنر یک عکس‌العمل است. در شهری با جمعیت ۱۲میلیون نفری یا ۸۲ درصد شهرنشینی، این تعداد دانشگاه هنر، این‌همه هنرمند و دانشجوی‌کجا هستند...؟ وقتی نیستند، نمی‌آیند، چه باید بکنیم؟ مان هنر رسالت سازمان‌یافته بر عهده ندارد.

آخرین سخنان او هنوز در گوشم طنین‌انداز است که می‌گفت: اصلای نمی‌خواهم بهترین یا بدترین را وارد بحث کنم. هدف من گالری‌شدن نیست، یک‌سری چیزها باید در کنار هم قرار بگیرد؛ یعنی باید توانایی مردم و فرهنگ‌شان ارتقا یابد، در کنارش فعالیت هنری-فرهنگی هم انجام شود. از جامعه‌ای که پول خرج هنر نمی‌کند، نباید انتظار زیادی داشته باشید.

### گالری‌گردی

#### نمایشگاه آثار شکوفه کریمی در گالری شیدایی

#### بهشت و جهنم در «مار و انار»



مجموعه آثار شکوفه کریمی با عنوان «مار و انار» در گالری شیدایی از دوم اردیبهشت روی دیوار رفته است. نمایشگاه «مار و انار» با هنرپانی مریم روشنفکر و آثار شکوفه کریمی تا ۲۳ اردیبهشت برگزار می‌شود. شکوفه کریمی متولد ۱۳۶۰ تهران، لیسانس نقاشی از دانشگاه آزاد اسلامی دارد و مدیر و مؤسس آموزشگاه هنری لتکا بوده است. او تانکسون در کارنامه

هنری‌اش، هشت نمایشگاه گروهی در تهران، ترکیه و آمریکا دارد. در استیتمنت این نمایشگاه آمده: «در اسطوره‌های میان‌رودان، الهه‌های هست به نام «لیلیت» که در تفاسیر عبری به اولین زن پیش از حوا اطلاق شده، زنی که از آدم سرپیچی نمود و او را رها کرد، زیرا خود را هم‌سنگ او می‌پنداشت و این‌گونه شد که سیمای او در داستان‌ها با نفرین و درد همراه شد و هرگز فرزندی نزاید... این داستان روایت بلایی است که آدمیان بر سر همه عناصر طبیعی که از آنها سرپیچند می‌آورند. هنگامی که آدم خود را برتر از طبیعت پنداشت با آن سر به عناد گذاشت و مصرفش کرد، از زن ماری آفرید و هشدار او برای آشتی با طبیعت درون را به نیش هبوط تبدیل کرد و از ماحصل آن، جهان به بهشت و جهنم تقسیم شد، بی‌خبر از اینکه چه بهشت و چه جهنم سرنوشت انسان و طبیعت به هم گره خورده است همانند سرنوشت زن و مرد». بازدید از این نمایشگاه در روزهای یکشنبه تا پنجشنبه ساعت ۱۵:۰۰ تا ۱۹:۰۰ در گالری شیدایی به آدرس: تهران، میدان هفتم تیر، خیابان بهارشیراز، میدان بهارشیراز، روبه‌روی موزه عکسخانه شهر، پلاک ۱۴۹، واحد ۱ برای عموم با رعایت پروتکل‌ها مقدور است.

#### نمایشگاهی از آثار روزبه نعمتی شریف در مجموعه معاصر «سو»

#### «پایان نامیرا» در خشونت



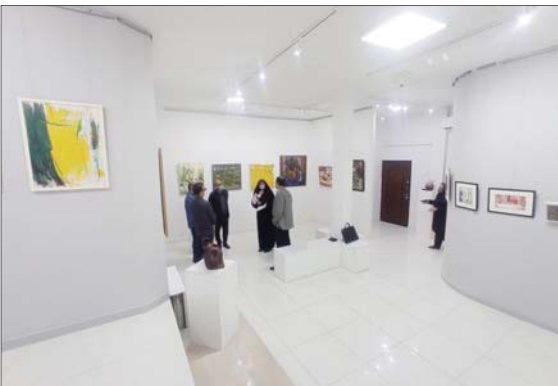
نمایشگاهی از آثار مجسمه روزبه نعمتی‌شریف با عنوان «پایان نامیرا» از روز جمعه دوم اردیبهشت در گالری «سو» برگزار شده است. روزبه نعمتی‌شریف، هنرمند متولد ۱۳۵۹ است و مدرک کارشناسی ارشد در رشته پژوهش هنر از دانشگاه هنر و معماری تهران دارد. او فعالیت رسمی خود در زمینه مجسمه‌سازی را از سال ۱۳۹۶ به‌طور حرفه‌ای شروع کرده و در بسیاری از نمایشگاه‌های گروهی سال‌های دهه ۹۰ حضور داشته است. در این استیتمنت آمده: «آثار این نمایشگاه که محصول سه سال گذشته‌اند، بر سه وجه «خشونت»: ۱) کنشگرانه (خشونت فیزیکی مستقیم)، ۲) کنش‌پذیرانه (خشونت ایدئولوژیک، تبعیض و...) و ۳) سیستمی (تأثیرات فاجعه‌بار نظام‌های اقتصادی و سیاسی) می‌پردازند. خشونت همچون امری ذاتی از ابتدای تاریخ بشر در اشکال مختلف بروز کرده و هر شکل آن در جهت پایان دیگری شکل جدیدی را بازتولید کرده و گویا خشونت همچون پایانی نامیراست، رودرویی مستقیم با خشونت، ذاتاً منجرکننده است و بی‌وزاری از این اقدامات و همدردی با بازماندگان آنها همچون دامی ما را از اندیشیدن بازمی‌دارد». نمایشگاه «پایان نامیرا» از جمعه دوم تا دوشنبه ۱۹ اردیبهشت از ساعت ۱۲:۰۰ تا ۱۹:۰۰ در مجموعه معاصر «سو» به آدرس خیابان ویلا، سمیه، خیابان پورموسی، پلاک ۳۰ برپاست.

#### نقاشی‌های شهروز صدر در گالری ایرانشهر

#### «فشردگی» جهان ذهنی یک هنرمند



نمایشگاه «فشردگی» با آثاری از شهروز صدر تا سه‌شنبه ۱۳ اردیبهشت در گالری ایرانشهر برپاست. شهروز صدر در ۱۳۵۵ در تهران به دنیا آمد. پس از تحصیل در رشته گرافیک در ۱۳۸۰ به تدریس طراحی، مجسمه‌سازی و چاپ در دانشگاه علمی کاربردی، هنرستان هنرهای تجسمی و هنرستان سوره پرداخت. او طی سال‌ها فعالیت هنری‌اش رسانه‌های متعددی همچون مجسمه (ساخت مجسمه شهری)، چاپ و طراحی-تصویرسازی کتاب از آرموده است و شناخت وی از قابلیت‌های هر یک از این رسانه‌ها و توانمندی‌های فنی‌اش او را قادر کرده‌مز میان رسانه‌ها را درنوردد. با این حال، مشخصه اصلی آثارش همواره طراحی‌های منحصربه‌فرد اوست که در کنار هم جهان ذهنی طراحی‌ها را برسیم می‌کنند. شهروز صدر در خلق این تصاویر از روش‌های مرسوم پیروی نمی‌کند. طرح اصلی از طراحی محیطی با قلم و کاغذ حاصل می‌شود. امکان بازدید از مجموعه آثار رنگ و روغن این هنرمند با عنوان «فشردگی» هر روز از ساعت ۱۶ تا ۲۰ تا سه‌شنبه، ۱۳ اردیبهشت در گالری ایرانشهر به آدرس خیابان کریم‌خان زند، خیابان شهید عضدی (آبان جنوبی)، خیابان سپند، پلاک ۶۹/۱ مهپاست.



هزینه‌های گالری بر عهده خودم بوده و تقریباً می‌توانم بگویم هیچ‌گونه درآمدی نداشته‌ام. فروش آثار به این شکل بوده است که من درصد گالری را تخفیف داده‌ام و خود هنرمند عزیز هم لطف کرده و درصدی از سهم خودش را تخفیف داده تا کاری به فروش برسد. تمامی نمایشگاه‌ها هم برای کمک به هنرمندان و هم برای آشنایی عمومی شهروندان کاملاً رایگان برگزار شده است. در این مدت هم هنرمندان با ما آشنا شده‌اند و هم من با هنرمندان استان آشنا شده‌ام.»

مدیر گالری ندا در شهر گرگان معتقد است فرهنگ‌سازی در شهرستان‌ها اهمیتی فراوان دارد: «اگر در شهر ما فرهنگ‌سازی از پیش‌تر انجام می‌شد، دیگر نیازی به این همه تخفیف نبود تا اثری به فروش رسد تا به این شکل بتوان هزینه‌های جاری گالری را تأمین کرد که متأسفانه تا امروز این اتفاق رخ نداده است.»

مدیر گالری هنگام در مشهد درباره بقای گالری‌اش این‌طور می‌گوید: «معمولا در شهر ما این‌طور باب است که باید در کنار گالری منبع درآمدی باشد؛ چون انگار همه می‌دانند که از گالری‌داری پولی در نمی‌آید و به همین دلیل در کنار گالری کافه‌ای هم هست که محل درآمد گالری است. فروش اثر هنری در شهر ما بسیار مشکل است؛ شاید به این دلیل که بستر فرهنگی مناسب هنوز در شهر ما شکل نگرفته است. من بشخصه با این موضوع بسیار مخالفم چون عقیده دارم بیننده‌ای که به گالری می‌آید، مخاطب خاص گالری است. خوب است که در نزدیک گالری کافه باشد، چون در تمام طول تاریخ هنر، کافه‌ها محل تعامل بوده و بسیاری از مکتب‌ها و جریان‌های هنری از کنار هم نشستن هنرمندان در کافه‌ها ممکن شده است. اما مخاطب گالری با مخاطب کافه متفاوت است. به نظر من بقای گالری نباید وابسته به یک شغل و حرفه دیگر باشد بلکه گالری باید روی پای خود بایستد و این کار نیاز به مدیریت خوب و آشنایی گالری‌دار با اقتصاد هنر دارد که از همان روز اول بداند می‌خواهد با چه رویگری کار را شروع کند. چون گالری‌ها زیربنای اقتصاد هنر هستند؛ مجموعه‌دارها را می‌سازند و اقتصاد هنر را شکل می‌دهند. من همیشه به خریداران می‌گویم وقتی برای خرید یک اثر هنری پولی می‌پردازید، بخشی از اجاره یک آتلیه را تقبل می‌کنید، بخشی از پول خرید یک بوم یا قلم‌مو را پرداخت می‌کنید و این کمک به ارتقای فرهنگ و هنر یک جامعه است.»

ندا میرقاسمی پیشنهاد می‌کند: «تهران می‌تواند پیگیر وضعیت گالری‌های خارج از مرکز باشد. رسانه‌ها می‌توانند بیشتر در مورد مقوله هنر صحبت کنند. می‌توان جلساتی برگزار کرد و هنرمندان را به‌طور کلی تشویق کرد. چون گالری‌ها دارند برای علاقه‌شان وقت می‌گذارند و هزینه می‌دهند و به همین دلیل باید مورد حمایت قرار بگیرند یا وزارت ارشاد وام‌های بلاعوض یا با بهره کم به گالری‌دار بدهد تا بتوانند باقی بمانند و کار کنند.»



### گالری‌داری خصوصی خارج از مرکز

## مشارکت در پرداخت اجاره آتلیه



برای شهری که از قرن‌ها قبل با هنرهای مردمی یا همان صنایع دستی نه فقط آشنایی که قرابت و نزدیکی داشته، سرک‌کشیدن به یک گالری هنری هم شاید چندان عجیب یا دور از ذهن نباشد. برای ساکنان شهری همچون کاشان با تمامی تاریخ فرهنگی و سبقه هنری، هنرانگار جزئی از زندگی روزمره است. درعین حال نزدیکی این شهر با تهران و برگزاری رخداد‌های فرهنگی و هنری متعدد در این شهر باعث شده تا کاشان کم‌وبیش به قطبی جدید در هنر معاصر ایران تبدیل شود. مریم معمارنژاد، مدیر گالری مریم در شهر کاشان آشنایی مردم با هنر و موقعیت جغرافیایی گالری‌اش را دلایلی برای حضور گالری مریم در این شهر می‌داند: «گالری ما مجاور بازار کاشان است و در یک فضای و محیط قدیمی است. به واسطه پیشینه فرهنگی هنری کاشان، سفال و... استقبال از گالری خیلی زیاد است و مردم از اتفاقات هنری از جمله گالری هنری استقبال می‌کنند». شاید به همین دلیل باشد که بخشی از نمایش‌های گالری مریم به سفال و فرش اختصاص یافته است؛ هنرهایی که برای مردم این شهر



شهرزاد رویانی

هروزه مردم در گالری‌اش در این شهر می‌داند: «گالری ما مجاور بازار کاشان است و در یک فضای و محیط قدیمی است. به واسطه پیشینه فرهنگی هنری کاشان، سفال و... استقبال از گالری خیلی زیاد است و مردم از اتفاقات هنری از جمله گالری هنری استقبال می‌کنند». شاید به همین دلیل باشد که بخشی از نمایش‌های گالری مریم به سفال و فرش اختصاص یافته است؛ هنرهایی که برای مردم این شهر

مرد با ظاهر متشخص سرگردان می‌نماید. بعد از چند بار داخل‌شدن و بیرون‌رفتن بالاخره به سخن می‌آید و سراغ بلیت‌فروش را می‌گیرد. احتمالا انتظار دارد برای ورود به گالری حتماً باید بلیت تهیه کند و این خواسته انگار چندان با ظاهرش همخوانی ندارد. لااقل نه از کسی که به گفته خودش در خارج از کشور تحصیل کرده و با هنر آشناست. شاید برخورد این مرد با هنر نامأنوس باشد. شهر گرگان فضای فرهنگی زنده‌ای داشته و نام بسیاری از هنرمندان و چهره‌های فرهنگی ایران با این شهر پیوند خورده است. هرچند کمتر هنرمندی در این شهر ماندگار شده و اکثراً زندگی در مرکز یا خارج از کشور را برگزیده‌اند. شاید بتوان این موضوع را بیش از دیگران از زبان ندا میرقاسمی، مؤسس و مدیر گالری ندا در شهر گرگان شنید. این هنرمند و گالری‌دار بعد از مشورت با استادش تصمیم گرفت تا گالری ندا را در این شهر شمالی تأسیس کند. عمر گالری او چندان طولانی نیست و با این حال می‌توان تلاش او را یک قدم بلندپروازانه در نظر گرفت. سخنان او گاه رنگ‌وبوی شکایت و مددجویی می‌گیرد: «اثر استادی که در تهران به سه برابر قیمت‌گذاری شده بود، در اینجا حتی به یک‌سوم قیمت هم مورد استقبال قرار نمی‌گیرد». ندا میرقاسمی از مرکز، رسانه‌ها و مدیران دولتی تقاضای همراهی بیشتری دارد؛ اتفاقی که تا این لحظه رخ نداده است تا ارتباط میان نهادهای مختلف هنری و فرهنگی در مرکز و برخی شهرهای دیگر همچنان نامعین و نامشخص باقی بماند.

وقتی به شهری بزرگ سر می‌زنیم اوضاع تا حدی متفاوت است. مشهد دیگر یک کلان‌شهر است؛ شهری وسیع و با جمعیتی فراوان. فارغ از اینها مشهد از سال‌های قبل به یکی از قطب‌های فرهنگی ایران تبدیل شده است. با این حال تعداد گالری‌های این شهر نسبت چندان با وسعت و جمعیت آن ندارد. نجمه امینی، مؤسس و مدیر گالری هنگام در این شهر در این مورد می‌گوید: «هرچند حدود ۳۰ مجوز در اداره ارشاد استان ثبت شده اما گالری‌های فعال در شهر مشهد به تعداد انگشتان یک دست می‌رسد... وقتی گالری را در سال